



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده تربیت

رشته مشاوره و راهنمایی

پایان نامه کارشناسی ارشد

فطرت و کاربرد آن در مشاوره و روان درمانی با رویکرد اسلامی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جهانگیرزاده

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا بنیانی

دانش پژوه:

علیرضا اسدنژاد

بهمن ماه ۹۷

الحمد لله الذي جعل



مرکز تعلیم و تربیت اسلامی
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

بسمه تعالی

صورت جلسه دفاع پایان نامه

بیتابید است خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (علیه السلام)

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای علیرضا اسدزاد
رشته: راهنمایی و مشاوره

تحت عنوان: فطرت و کاربرد آن در مشاوره و روان درمانی با رویکرد اسلامی

باجضور استاد راهنما، استاد مشاور و هیأت داوران در موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۱۲ برگزار گردید و پایان نامه

ایشان با کسب نمره به عدد: ۱۹.۷۵ به حروف: نوزده و هفتاد و پنج درجه عالی پذیرفته شد.

نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
مدیر گروه: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد رضا احمدی		
استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد رضا جهانگیرزاده قمی		
استاد مشاور: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد رضا بنیانی		
استاد داور: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد رضا احمدی		
نماینده تحصیلات تکمیلی: جناب آقای مصطفی زارعی		

معاون آموزشی مؤسسه
محمد رضا کربانی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده تربیت

رشته مشاوره و راهنمایی

پایان نامه کارشناسی ارشد

فطرت و کاربرد آن در مشاوره و روان درمانی با رویکرد اسلامی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جهانگیرزاده

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا بنیانی

دانش پژوه:

علیرضا اسدنژاد

بهمن ماه ۹۷

بسمه تعالی

تعهدنامه اصالت پایاننامه

اینجانب **علیرضا اسدنژاد**، فرزند **اسداله** به شماره شناسنامه ۲۸۱۹ صادره از لارستان به شماره دانش پژوهی ۹۳۱۱۰۱۰ رشته راهنمایی و مشاوره متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این زمینه از آن ها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است.

این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک همسطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط موسسه از اعتبار ساقط خواهد شد.

علیرضا اسدنژاد

امضا

حقوق مادی و معنوی پایاننامه

چاپ و انتشار پایان نامه های تحصیلی دانش پژوهان مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت بیانگر بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی مؤسسه است.

اینجانب علیرضا اسدنژاد، دانش پژوه رشته راهنمایی و مشاوره مقطع کارشناسی ارشد، متعهد می گردم موارد ذیل را در خصوص حقوق مادی و معنوی پایان نامه ام با موضوع:

"فطرت و نقش آن در مشاوره و روان درمانی با رویکرد اسلامی"

رعایت نمایم و در صورت تخلف از موارد ذیل، کلیه تبعات حقوقی آن بر عهده اینجانب خواهد بود:

۱. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه، مراتب را قبلاً به صورت کتبی به معاونت پژوهش مؤسسه اطلاع دهم و در صورت تمایل مؤسسه به چاپ پایان نامه به صورت کتاب، اولویت با مؤسسه خواهد بود.
۲. در صورت موافقت معاونت پژوهش با چاپ پایان نامه به صورت کتاب توسط دانش پژوه، در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل چاپ گردد:

«کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره و راهنمایی است که در سال ۱۳۹۷ در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت به راهنمایی آقای محمد رضا جهانگیر زاده و مشاوره آقای محمد رضا بنیانی از آن دفاع شده است».

۳. به منظور غنی سازی منابع و مآخذ کتابخانه مؤسسه، دو نسخه از آن به کتابخانه و دو نسخه نیز جهت بهره برداری به معاونت پژوهش اهدا خواهد شد.

علیرضا اسدنژاد

امضا

سوختن تا سوختن داریم . همه ی وجودم سوخت ،
آنگاه که به علت اتمام مهلت تحویل پایان
نامه ، از تبلیغ محرم و خیل مبلغان
خدمتگذار به ساحت ابا عبدالله الحسین علیه
السلام جا مانده و خسرانی عظیم ، همه ی
وجودم را درنوردید .

به حسرت آن ایام و به شکرانه اتمام این
ناچیز ، در ایام میلاد بانوی محترم ، زینب
کبری سلام الله علیها می نگارم :
تقدیم به

عظیم ترین

آسمانی ترین

و

ماندگارترین

شهید خلقت

سید الشهداء الحسین علیه السلام
و به خواهر اسارت دیده اش زینت الابد ، حضرت
زینب سلام الله علیها

و

به صاحب عزایش مهدی آل الله روحی فداه

و به دو برادر شهیدم، پیروان حقیقی راهش،
شهید مهدی پروانه و شهید محمدعلی علیپور
اردی

سپاس از:

پدرم

مادرم

و همسر

که معنای

حقیقی همیاری را به من فهماندند...

و سپاس از همه آنانی که در این پروژه
دو ساله، زحماتشان دادیم و رحمتشان را
گرفتیم؛ به ویژه اساتید گرانقدر،
جنابان:

دکتر محمد رضا جهانگیرزاده، دکتر
محمد رضا بنیانی، دکتر علی نقی فقیهی،
دکتر علی همت بناری، دکتر محمد رضا
احمدی، دکتر سیف الله فضل الهی و دکتر
جعفر جدیری

چکیده

نگاه نظریه‌پرداز حوزه علوم انسانی درباره ماهیت انسان، می‌تواند بر چگونگی یافته‌های علمی وی تأثیرگذار باشد. مجادله فطری‌نگری - تجربی‌نگری، یکی از مباحثات تاریخی و پردامنه در خصوص ماهیت انسان بوده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین کاربرد نظریه فطرت (بر اساس منابع اسلامی) در مشاوره و روان‌درمانی ارائه شده است. این پژوهش، بنیادی بوده و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از بانک‌های اطلاعاتی، مبتنی بر تحلیل و توصیف داده‌ها انجام شده و با برقراری ارتباط منطقی میان داده‌ها، به سوالات پژوهش، پاسخ داده شده است. بر این اساس، معنادار بودن ارتباط "سازمان شناختی" با فطرت در جریان مشاوره، به عنوان فرضیه اول، به اثبات رسیده است؛ زیرا نتیجه‌ی پژوهش حاکی از آن است که بلوغ عقلی و پرورش سازمان شناختی، پیش‌نیاز درک و دریافت هدایت‌های فطری است. پژوهش حاضر در ادامه به تبیین نتایج خود، مبنی بر امکان ارائه "محتوا" و "فرایند" تغییر در جریان مشاوره مبتنی بر فطرت پرداخته است که بر مبنای آن، واژه‌های "سلامت" و "بیماری"، مفهومی واحد و ثابت یافته‌اند؛ بر این اساس "محتوای تغییر"، مجموعه‌ای از تعارضات و نیز مجموعه‌ای از عوامل انحراف از فطرت معرفی شده است. تعارض تجارب و رفتار با فطریات، تعارض کشاننده‌ها و افکار مزاحم با فطریات، تعارض و تراحم امور فطری با یک‌دیگر، تعارض در مصادیق یک امر فطری و خطای در تطبیق رافع نیاز یک امر فطری، تعارضات ۵ گانه آسیب‌زا را تشکیل داده است. همچنین علل و عوامل انحراف از فطرت شامل: الف) عوامل نفسانی همچون: پندارگرایی، خودبینی، غفلت، افکار مزاحم، رفتار خلاف تعالیم وحی، جریان شهوت و ب) عوامل محیطی همچون: دنیاگرایی، عقل تجربی و متعارف و خطای تطبیق در رافع نیاز، مورد بررسی قرار گرفته است. "فرایندهای تغییر" در رویکرد فطرت‌محور، مبتنی بر "تقویت سازمان شناختی"، با محوریت بازگرداندن مراجع به فطرت اصیل خود و شکوفایی فطریات وی تبیین شده است. برای دستیابی به این امر، بعد از توجه به سلامت و عدم سلامت طبع مراجع، شناسایی مشکلات بُعد غریزی مراجع، شناسایی عوامل انحراف از فطرت و موانع شکوفایی فطرت، ریشه‌یابی مشکل با توجه به جدول کارکرد فطریات و ریشه‌یابی مشکل با توجه به تعارضات ۵ گانه آسیب‌زا، به مداخلات سه‌گانه درمانگر شامل: "مداخلات طبیعی"، "مداخلات غریزی" و "مداخلات فطری" شامل: رفع موانع شکوفایی فطرت با غفلت‌زدایی و آگاه‌سازی، ایجاد مقتضی به وسیله جهت‌دهی شناخت مراجع، تبیین و نشان دادن رافع حقیقی نیازش و ارائه راهکار عملی در وصول به آن مبتنی بر تعالیم وحی پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که مشاوره بر مبنای رویکرد فطرت‌محور، یک رویکرد درمانی است که فرازمانی، فرامکانی، فرافرهنگی و فراموقعیتی است. این رویکرد دارای دو ویژگی مهم است: توجه به لایه‌های وجودی انسان یعنی طبع، غریزه و فطرت و توجه به رافع حقیقی نیاز علاوه بر صرف رفع نیاز. در مشاوره فطرت‌محور، تمامی روش‌ها و مدل‌های درمانی بر اساس "کمال‌طلبی" فطری مراجع طراحی می‌شود و باقی فطریات و تمایلات غریزی تابع این گرایش خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: فطرت، مشاوره، روان‌درمانی، سازمان شناختی، عقل، خودشکوفایی، سلامت‌روان، کمال، رویکرد اسلامی

فهرست مطالب

چکیده

فهرست مطالب.....	أ
فصل اول: کلیات و تعریف مفاهیم.....	۱۱
۱-۱ مقدمه.....	۱
۱-۲ بیان مسئله.....	۲
۱-۳ ضرورت انجام پژوهش.....	۸
۱-۴ اهداف پژوهش.....	۸
۱-۵ سوالات پژوهش.....	۹
۱-۶ پیشینه نظری پژوهش.....	۹
۱-۷ پیشینه پژوهشی تحقیق.....	۱۵
۱-۸ تازگی و نوآوری پژوهش.....	۱۹
۱-۹ روش انجام پژوهش.....	۱۹
۱-۱۰ روش گردآوری اطلاعات.....	۱۹
۱-۱۱ ابزار گردآوری اطلاعات.....	۱۹
۱-۱۲ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....	۱۹
۱-۱۳ مفاهیم اساسی.....	۱۹
فصل دوم: چیستی و مبانی نظری فطرت.....	۲۲
۲-۱ مفهوم شناسی فطرت.....	۲۴
۲-۱-۱ تعریف لغوی فطرت.....	۲۵
۲-۱-۲ معنای فطرت در قرآن.....	۲۶
۲-۱-۳ تعاریف اصطلاحی فطرت.....	۲۷
۲-۱-۴ تعریف مختار از مفهوم فطرت.....	۲۸
۲-۲ دیدگاههای اندیشمندان به موضوع فطرت.....	۲۹
۲-۲-۱ منکرین وجود فطرت در انسان.....	۲۹
۲-۲-۲ قائلین وجود فطرت در انسان.....	۳۰
۲-۲-۳ خیر یا شر بودن فطرت انسان.....	۳۲

۳۴	۲-۲-۴ جمع بندی
۳۴	۲-۳ وجودشناسی فطرت
۳۴	۲-۳-۱ فطرت به عنوان ساختاری نفسانی - روانی
۳۴	۲-۳-۲ فطرت به عنوان نیروی ادراکی
۳۵	۲-۳-۳ فطرت به عنوان شناخت ها، احساسات و عواطف
۳۶	۲-۳-۴ فطرت به عنوان خدا گونه‌گی انسان
۳۶	۲-۴ مولفه ها و مشخصه های فطرت و فطریات
۳۹	۲-۴-۱ تغییر ناپذیری
۴۱	۲-۵ فطرت و مفاهیم مرتبط
۴۱	۲-۵-۱ فطرت، تربیت و صنعت
۴۲	۲-۵-۲ فطرت، طبع و غریزه
۴۲	۲-۵-۲-۱ تعریف
۴۳	۲-۵-۲-۲ تفاوت
۴۶	۲-۵-۲-۳ تعامل
۴۹	۲-۵-۲-۴ جمع بندی بحث
۵۰	۲-۶ فطریات: تعریف و ابعاد
۵۰	۲-۶-۱ تعریف فطریات و تفاوت آن با فطرت
۵۲	۲-۶-۱-۱ تعریف مختار از مفهوم فطریات
۵۲	۲-۶-۲ ابعاد فطریات و تحلیل آن
۵۴	۲-۶-۲-۱ شناخت های فطری (فطرت شناخت و ادراک)
۵۴	۲-۶-۲-۱-۱ ویژگی ها و مشخصه های بعد شناختی فطرت
۵۴	۲-۶-۲-۱-۲ چگونگی شناخت های فطری
۵۵	۲-۶-۲-۲ گرایش های فطری (فطرت خواسته ها و گرایش ها)
۵۶	۲-۷ مقیاس و روشهای بازشناسی فطریات
۵۷	۲-۷-۱ شواهد نقلی
۵۷	۲-۷-۲ وجدان (روش شهودی)
۵۷	۲-۷-۳ ملائمت با طبع
۵۸	۲-۷-۴ و ۵ شواهد تاریخی و تجربی
۵۹	۲-۸ فطرت و مبانی انسان شناختی نظریه های روان درمانی

- ۲-۸-۱ انسان شناسی در نظریه روان تحلیل گری ۵۹
- ۲-۸-۱-۱ نقد انسان شناختی مکتب روان تحلیل گری با رویکرد فطرت مدار ۶۱
- ۲-۸-۲ انسان شناسی در نظریه رفتارگرایی ۶۲
- ۲-۸-۲-۱ نقد انسان شناختی مکتب رفتارگرایی با رویکرد فطرت مدار ۶۴
- ۲-۸-۳ انسان شناسی در نظریه انسان گرایی ۶۵
- ۲-۸-۳-۱ نقد انسان شناختی مکتب انسان گرایی با رویکرد فطرت مدار ۷۰
- ۲-۸-۴ نقد برخی از بنیان های نظری مکاتب و نظریه های مختلف روان درمانی موجود ۷۳
- ۲-۹ فطرت و امکان مطالعه علمی آن ۷۴
- ۲-۱۰ تفاوت مفهوم فطری گرایی در روان شناسی موجود با مفهوم آن در رویکرد اسلامی ۷۶
- فصل سوم: فطرت و سازمان شناختی ۷۸
- ۳-۱ نوشتار اول: رابطه فطرت با سازمان شناختی انسان ۷۹
- ۳-۱-۱ تعریف سازمان شناختی ۸۱
- ۳-۱-۲ ویژگی های سازمان شناختی ۸۱
- ۳-۱-۳ سازمان شناختی و فطرت: منبع یا ابزار شناخت ۸۲
- ۳-۱-۳-۱ اشکال به گرایش های فطری ۸۵
- ۳-۱-۳-۲ اشکال به شناخت های فطری ۸۵
- ۳-۱-۳-۳ جمع بندی ۸۷
- ۳-۱-۴ تضعیف و تقویت (پرورش و شکوفایی): سازمان شناختی یا فطرت و فطریات ۸۷
- ۳-۱-۴-۱ حرکت موسکونه ۸۸
- ۳-۱-۵ چگونگی پیوند "فطرت" با مفهوم "انتخاب" ۹۰
- ۳-۱-۵-۱ انتخاب های کودک قبل از سن تمیز ۹۲
- ۳-۱-۶ اراده و اختیار: عنصر سازمان شناختی یا عنصر فطرت ۹۵
- ۳-۱-۷ آشکارگی فطریات ۹۶
- ۳-۱-۸ فلسفه ارسال رسل: فطرت و سازمان شناختی ۹۷
- ۳-۱-۹ سازمان شناختی در تعالیم وحی ۹۷
- ۳-۱-۹-۱ اهمیت سازمان شناختی در تعالیم وحی ۹۷
- ۳-۱-۹-۲ منظور از سازمان شناختی در تعالیم وحی ۹۹
- ۳-۱-۱۰ عناصر جهت دهنده امیال و گرایش های فطری ۱۰۰
- ۳-۱-۱۱ تعریف برگزیده و مختار از مفهوم سازمان شناختی ۱۰۳

- ۳-۲ نوشتار دوم: جایگاه سازمان شناختی، در نظام فطرت محور ۱۰۳
- ۳-۲-۱ بخش اول: فطرت و تبدیل ناپذیری ۱۰۳
- ۳-۲-۲ بخش دوم: فطرت و سازمان شناختی: قوه یا فعل ۱۰۶
- ۳-۲-۲-۱ الگوی اول: فطرت و سازمان شناختی، قوه محض هستند ۱۰۶
- ۳-۲-۲-۲ الگوی دوم: فطرت، وجود محض و سازمان شناختی، قوه محض است ۱۰۷
- ۳-۲-۳ بخش سوم: فطرت و اراده ۱۰۹
- ۳-۲-۴ بخش چهارم: نقد و بررسی قوه یا فعل بودن فطرت ۱۰۹
- ۳-۲-۴-۱ الگوی سوم: سازمان شناختی بالفعل و فطرت بالقوه است ۱۰۹
- ۳-۲-۴-۲ الگوی چهارم: سازمان شناختی و فطرت هر دو بالفعل هستند به این معنی که هیچ یک قوه محض نیستند ۱۰۹
- ۳-۲-۴-۳ رابطه چگونگی پرورش سازمان شناختی با چگونگی آشکارگی فطریات ۱۱۰
- ۳-۲-۵ بخش پنجم ۱۱۳
- ۳-۲-۶ جمع بندی و پاسخ به سوالات بخش اول ۱۱۴
- ۳-۲-۶-۱ پاسخ پرسش اول ۱۱۴
- ۳-۲-۶-۲ پاسخ پرسش دوم ۱۱۵
- ۳-۲-۷ تحلیل فطری مفهوم "رشد" ۱۱۸
- ۳-۳ نوشتار سوم: علل و عوامل آشکارگی و خمودگی فطریات ۱۱۹
- ۳-۳-۱ علل و عوامل موثر در آشکارگی فطریات (عوامل آشکارگی فطریات) ۱۱۹
- ۳-۳-۱-۱ ۳-۳-۱-۱ تعالیم وحی ۱۲۰
- ۳-۳-۱-۲ ۳-۳-۱-۲ آموزش و یادگیری ۱۲۰
- ۳-۳-۱-۳ ۳-۳-۱-۳ محیط و محرک های محیطی ۱۲۱
- ۳-۳-۱-۴ ۳-۳-۱-۴ تجربه ۱۲۱
- ۳-۳-۱-۵ ۳-۳-۱-۵ الگوی مثبت (مربی شایسته) ۱۲۲
- ۳-۳-۲ علل و عوامل موثر در خمودگی و انحراف از فطریات (موانع آشکارگی فطریات) ۱۲۲
- ۳-۳-۲-۱ ۳-۳-۲-۱ عوامل نفسانی ۱۲۳
- ۳-۳-۲-۱-۱ ۳-۳-۲-۱-۱ پندارگرایی ۱۲۴
- ۳-۳-۲-۱-۲ ۳-۳-۲-۱-۲ خودبینی ۱۲۴
- ۳-۳-۲-۱-۳ ۳-۳-۲-۱-۳ غفلت ۱۲۴
- ۳-۳-۲-۱-۴ ۳-۳-۲-۱-۴ افکار مزاحم (وسوسه های فکری) ۱۲۴
- ۳-۳-۲-۱-۵ ۳-۳-۲-۱-۵ رفتار خلاف تعالیم وحی ۱۲۵

- ۱۲۵ ۳-۳-۲-۱-۶ جریان شهوت (کشاننده ها).....
- ۱۲۵ ۳-۳-۲-۲ عوامل محیطی (آلودگی محیطی).....
- ۱۲۶ ۳-۳-۲-۲-۱ دنیاگرایی.....
- ۱۲۶ ۳-۳-۲-۲-۲ عقل تجربی و متعارف.....
- ۱۲۶ ۳-۳-۲-۲-۳ خطای در تطبیق رافع نیاز.....
- ۱۲۷ ۳-۳-۲-۳ حجاب های ده گانه.....
- ۱۲۹ فصل چهارم: فطرت در مشاوره و روان درمانی (محتوا و فرایند تغییر).....
- ۱۳۰ ۴-۱ نوشتار اول: محتوای تغییر در نظام مشاوره و روان درمانی فطرت محور.....
- ۱۳۱ ۴-۱-۱ بخش اول: ویژگی های رویکرد فطرت محور در مشاوره و روان درمانی.....
- ۱۳۳ ۴-۱-۲ بخش دوم: مفهوم و شاخصه های "سلامت روان" و "بیماری" در سالم سازی شخصیت مراجع.....
- ۱۳۳ ۴-۱-۲-۱ مفهوم و شاخصه های سلامت روان در مکاتب مختلف روان درمانی.....
- ۱۳۶ ۴-۱-۲-۲ نقد و بررسی نظریه های روان درمانی از مفاهیم سلامت و بیماری.....
- ۱۴۰ ۴-۱-۲-۲-۱ جمع بندی و نتیجه.....
- ۱۴۱ ۴-۱-۲-۳ مفهوم و شاخصه های سلامت روان در نظام مشاوره و روان درمانی فطرت محور.....
- ۱۴۱ ۴-۱-۲-۳-۱ مفهوم سلامت روان.....
- ۱۴۲ ۴-۱-۲-۳-۲ شاخصه های سلامت روان.....
- ۴-۱-۲-۴ پیش نیازهای سلامت روان و تحصیل کمال (ارتباط های موثر بر ایجاد خودپنداره) در نظام مشاوره و روان درمانی
- ۱۴۴ فطرت محور.....
- ۱۴۶ ۴-۱-۲-۴-۱ خود.....
- ۱۴۷ ۴-۱-۲-۴-۲ خدا.....
- ۱۴۹ ۴-۱-۲-۴-۳ خلق (دیگران).....
- ۱۵۰ ۴-۱-۲-۴-۴ خلقت (طبیعت).....
- ۱۵۲ ۴-۱-۲-۵ تحصیل کمال و خودشکوفایی در نظام مشاوره و روان درمانی فطرت محور.....
- ۱۵۷ ۴-۱-۳ بخش سوم: تقابل "نیازهای فطری" با "جریان کشاننده ها و افکار مزاحم".....
- ۱۵۷ ۴-۱-۳-۱ مفهوم کشاننده ها.....
- ۱۵۸ ۴-۱-۳-۲ مفهوم افکار مزاحم.....
- ۴-۱-۳-۳ قالب ها و روش های تاثیرگذاری جریان کشاننده ها و افکار مزاحم در انحراف از فطرت و ایجاد اختلالات روانی در
- ۱۶۰ فرد.....
- ۱۶۱ ۴-۱-۳-۳-۱ تسویل.....

- ۴-۳-۳-۲-۱-۳-۴ تزئین ۱۶۲
- ۴-۳-۳-۳-۱-۳-۴ تطويع ۱۶۲
- ۴-۳-۳-۴-۱-۳-۴ تلبیس و مشتبه کردن امر ۱۶۳
- ۴-۳-۳-۵-۱-۳-۴ اظهار نظر بر اساس حدس و گمان ۱۶۴
- ۴-۳-۳-۶-۱-۳-۴ افراط و تفریط ۱۶۴
- ۴-۳-۳-۷-۱-۳-۴ ایجاد آرزوهای موهوم ۱۶۴
- ۴-۳-۳-۸-۱-۳-۴ سرگردان ساختن ۱۶۵
- ۴-۳-۳-۹-۱-۳-۴ نتیجه گیری و نکات پایانی ۱۶۵
- ۴-۳-۴-۱-۳-۴ عوامل کلی تقویت، رشد و کمال فطرت (سازمان شناختی) ۱۶۶
- ۴-۳-۴-۵-۱-۳-۴ عوامل کلی تضعیف و انحراف از فطرت (انحراف سازمان شناختی) ۱۶۶
- ۴-۳-۴-۶-۱-۳-۴ ساختار و مشخصه های کشاننده ها (غرایز) ۱۶۶
- ۴-۳-۴-۷-۱-۳-۴ ساختار و مشخصه های افکار مزاحم (هوای نفس) ۱۶۷
- ۴-۳-۴-۸-۱-۳-۴ تقابل نیازهای فطری با جریان کشاننده ها و افکار مزاحم، در مراحل رشد الگوهای رفتاری در دست یابی به خودشکوفایی، سلامت روان و کمال (با تکیه بر گرایشها و نیازهای فطری) ۱۶۸
- ۴-۳-۴-۹-۱-۳-۴ تقابل سازمان فطرت و شناختی با "افکار مزاحم" و شیوه حاکمیت آن ها در رشد الگوهای رفتاری به هنگام تعارض خواست ها (با تکیه بر شناختهای فطری) ۱۷۲
- ۴-۱-۴-۱-۴-۱-۴ بخش چهارم: عوامل آسیب زا (علل اصلی آسیب ها و اختلالات روانی)، در نظام مشاوره و رواندرمانی فطرت محور ۱۷۸
- ۴-۱-۴-۱-۴-۱-۴ تعارض تجارب و رفتار با فطرت و فطریات ۱۷۹
- ۴-۱-۴-۲-۴-۱-۴ تعارض کشاننده ها و افکار مزاحم (سازمان روانی غریزی و هوای نفس) با فطریات (سازمان روانی فطری) ۱۸۱
- ۴-۱-۴-۳-۴-۱-۴ تعارض و تراحم امور (دو یا چند امر) فطری با هم ۱۸۳
- ۴-۱-۴-۴-۴-۱-۴ تعارض در مصادیق یک امر فطری ۱۸۴
- ۴-۱-۴-۵-۴-۱-۴ خطای در تطبیق رافع نیاز یک فطری ۱۸۷
- ۴-۱-۴-۶-۴-۱-۴ ترتیب علل اصلی آسیب زا از حیث فراوانی ۱۸۹
- ۴-۲-۴-۱-۴-۲-۴ نوشتار دوم: فرایندهای تغییر در نظام مشاوره و روان درمانی فطرت محور ۱۸۹
- ۴-۲-۴-۱-۴-۲-۴ بخش اول: گستره کاربرد و کارکرد فطرت ۱۹۱
- ۴-۲-۴-۱-۴-۲-۴ گستره ی کارکرد درونی فطرت ۱۹۱
- ۴-۲-۴-۱-۴-۲-۴ گستره کارکرد بیرونی فطرت ۱۹۵
- ۴-۲-۴-۱-۴-۲-۴ گستره کارکرد روشی فطرت ۱۹۵
- ۴-۲-۴-۲-۴-۲-۴ بخش دوم: تبیین تفاوت "رفع نیاز" با "رافع نیاز" فطری و رابطه آن با تشخیص و درمان ۱۹۶

۲۰۱	۴-۲-۱ نقش محیط در نیاز سازی و مختل کردن سازمان شناختی
۲۰۱	۴-۲-۱-۱ محرک های تصنعی
۲۰۲	۴-۲-۱-۲ افراط در ارضای نیازهای حقیقی
۲۰۳	۴-۲-۲ جمع بندی بحث
۲۰۵	۴-۲-۳ سوم: تشخیص و درمان در نظام مشاوره و روان درمانگری فطرت محور (تکنیک ها و روش ها)
۲۰۷	۴-۲-۳-۱ پیش فرض های اساسی رویکرد مشاوره و روان درمانی فطرت محور
۲۰۸	۴-۲-۳-۲ چگونگی کلی بروز آسیب و مشکل روانی در رویکرد فطرت محور
۲۰۹	۴-۲-۳-۳ تحلیل بحران روانی با تبیین رویکرد فطرت محور
۲۱۰	۴-۲-۳-۴ رویکرد و نقش مشاور و روان درمانگر در نظام مشاوره و روان درمانگری فطرت محور
۲۱۰	۴-۲-۳-۴-۱ دو رویکرد در مشاوره و درمانگری
۲۱۱	۴-۲-۳-۴-۲ نقش و وظفه مشاور و درمانگر
۲۱۳	۴-۲-۳-۵ مراحل و فرایند "تشخیص" در رویکرد فطرت محور
۲۱۳	۴-۲-۳-۵-۱ اول: دقت در رفتار آشکار فرد و گزارش های واصله خود و اطرافیان
۲۱۳	۴-۲-۳-۵-۲ دوم: توجه به سلامت و عدم سلامت طبع مراجع
۲۱۴	۴-۲-۳-۵-۳ سوم: توجه به مشکلات بُعد غریزی
۲۱۴	۴-۲-۳-۵-۴ چهارم: شناسایی موانع آشکارگی فطریات
۲۱۴	۴-۲-۳-۵-۵ پنجم: ریشه یابی مشکل با توجه به جدول کارکرد فطریات
۲۱۵	۴-۲-۳-۶ مراحل و فرایند "درمان" در رویکرد فطرت محور
۲۱۶	۴-۲-۳-۶-۱ مداخلات طبعی و غریزی شامل:
۲۱۷	۴-۲-۳-۶-۲ مداخلات فطری
۲۲۵	۴-۲-۳-۷ فرایند "رفتارسازی" در نظام مشاوره و روان درمانگری فطرت محور
۲۲۹	۴-۲-۳-۸ الگوی فطرت محور نظام مشاوره و روان درمانگری
۲۳۳	۴-۳ شمای کلی جایگاه سازمان های اساسی در انسان کنترل شده و انسان کنترل نشده
۲۳۷	فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری
۲۳۸	۵-۱ شباهت ها
۲۳۹	۵-۲ تفاوت ها
۲۵۲	۵-۳ یافته ها و نتایج جانبی
۲۵۹	۵-۴ موارد کاربرد پژوهش
۲۵۹	۵-۵ محدودیت های پژوهش

۲۵۹	۵-۶ پیشنهادات و فرصت های پژوهشی.....
۲۶۱	پیوست: آثار و نمونه های عملی مشاوره و روان درمانگری فطرت محور.....
۲۶۲	۱-۱ نکات بسیار اساسی در تحقق مشاوره ی فطرت محور با رویکرد اسلامی.....
۲۶۲	۱-۱-۱ ادر نظر گرفتن هر سه لایه ی وجودی.....
۲۶۳	۱-۱-۲ توجه به رافع نیاز.....
۲۶۳	۱-۲ تبیین و تحلیل خودمهارگری با رویکرد فطرت مدار.....
۲۶۳	۱-۲-۱ سطوح خودمهارگری بر اساس فطرت.....
۲۶۴	۱-۲-۲ عوامل مهارگر (مهارگرها) با تحلیل فطرت.....
۲۶۶	۱-۳ تبیین و تحلیل اختلال افسردگی با رویکرد فطرت مدار.....
۲۶۷	۱-۳-۱ تحلیل فطری اختلال افسردگی (تحلیل مفصل).....
۲۶۷	۱-۳-۱-۱ برخی علل افسردگی فطری.....
۲۶۸	۱-۳-۲ تحلیل یک نمونه درمانگری در افسردگی.....
۲۷۲	فهرست منابع و مآخذ.....

Error! Bookmark not defined.ABSTRACT

فهرست نمودارها

نمودار شماره ۱-۲: طبقه بندی فطریات.....	۵۲
نمودار شماره ۲-۲: گستره کارکرد کلی فطرت.....	۵۲
نمودار شماره ۱-۳: جایگاه تحلیل سازمان شناختی در فرایند دست یابی به سلامت روان در رویکرد فطرت محور.....	۸۴
نمودار شماره ۲-۳: فرایند دست یابی به کمال، با تکیه بر مفهوم انتخاب در جریان فطرت.....	۹۳
نمودار شماره ۳-۳: شمای کلی فرایند دستیابی به کمال، با تکیه بر مفهوم انتخاب در جریان فطرت.....	۹۳
نمودار شماره ۴-۳: نقش اراده به عنوان عنصر سازمان شناختی در الگوی فطرت محور.....	۹۴
نمودار شماره ۵-۳: نقش ابزاری سازمان شناختی در قبال منبع فطرت.....	۹۷
نمودار شماره ۶-۳: جایگاه تحدید امیال در دست یابی به سلامت روان در جریان تعارض امیال فطری.....	۱۰۱
نمودار شماره ۷-۳: رابطه چگونگی پرورش سازمان شناختی با چگونگی آشکارگی فطریات.....	۱۱۱
نمودار شماره ۸-۳: شمای کلی فرایند دست یابی به سلامت روان با تکیه بر نقش سازمان شناختی، در الگوی فطرت محور.....	۱۲۷
نمودار شماره ۱-۴: روابط ۴ گانه اساسی زندگی، محاط در سازمان روانی فطری و شناختی انسان.....	۱۵۰
نمودار شماره ۲-۴: چرخه ارتباطی روابط اساسی و سازمان فطری انسان.....	۱۵۱
نمودار شماره ۳-۴: نقش کمال جویی فطری در جهت دهی و انتخاب کشش های متعارض.....	۱۵۳
نمودار شماره ۴-۴: توقف تحصیل کمال بر شناخت منطبق بر فطرت.....	۱۵۴
نمودار شماره ۵-۴: نقش عملکردی "آگاهی"، "ارزیابی" و "کمال" در ارتباط با سازمان روانی فطرت.....	۱۵۵
نمودار شماره ۶-۴: ساختار شخصیت در یک انسان کنترل نشده در نتیجه حاکمیت کشاننده ها و افکار مزاحم.....	۱۶۹
نمودار شماره ۷-۴: ساختار شخصیت در یک انسان کنترل شده در نتیجه حاکمیت فطرت.....	۱۶۹
نمودار شماره ۸-۴: حلقه معیوب در ایجاد قالب های انحراف از فطرت.....	۱۷۰
نمودار شماره ۹-۴: طرح کرم ابریشم ناشی از حاکمیت سازمان غریزی و هوای نفس.....	۱۷۰
نمودار شماره ۱۰-۴: جایگاه اراده در یک انسان کنترل شده در نتیجه حاکمیت فطرت.....	۱۷۱
نمودار شماره ۱۱-۴: جایگاه اراده در یک انسان کنترل نشده در نتیجه حاکمیت کشاننده ها و افکار مزاحم.....	۱۷۱
نمودار شماره ۱۲-۴: حاکمیت سازمان روانی افکار مزاحم و به محاق بردن فطرت و در نتیجه از کار انداختن فطریات و برآوردن کام سازمان غریزی.....	۱۷۳
نمودار شماره ۱۳-۴: نزاع و درگیری دو سازمان شناختی و افکار مزاحم در برآوردن خواست های مورد نظر خود.....	۱۷۳
نمودار شماره ۱۴-۴: غلبه سازمان شناختی و در نتیجه حاکمیت سازمان فطری.....	۱۷۳
نمودار شماره ۱۵-۴: نزاع افکار مزاحم و سازمان شناختی بر سر تصاحب حاکمیت بر انسان.....	۱۷۵
نمودار شماره ۱۶-۴: گستره کارکرد کلی فطرت.....	۱۹۰
نمودار شماره ۱۷-۴: ترتب گرایش بر شناخت.....	۲۲۵
نمودار شماره ۱۸-۴: فرایند جزئی (تفکیکی) شکل گیری رفتار با تمرکز بر نیازهای انسان.....	۲۲۶

- نمودار شماره ۴-۱۹: فرایند کلی شکل گیری رفتار..... ۲۲۸
- نمودار شماره ۴-۲۰: میزان توجه مشاور و روان درمانگر در تشخیص مشکل مراجع..... ۲۳۰
- نمودار شماره ۴-۲۱: میزان توجه مشاور و روان درمانگر در درمان مشکل مراجع..... ۲۳۰
- نمودار شماره ۴-۲۲: شمای کلی الگوی تشخیص و درمان در رویکرد فطرت محور..... ۲۳۰
- نمودار شماره ۴-۲۳: دیاگرام شمای کلی جایگاه سازمان های اساسی در انسان کنترل شده و در نتیجه اعتلای خودشکوفایی، سلامت روان و کمال انسانی..... ۲۳۳
- نمودار شماره ۴-۲۴: دیاگرام شمای کلی جایگاه سازمان های اساسی در انسان کنترل نشده و در نتیجه سقوط خودشکوفایی، سلامت روان و کمال انسانی..... ۲۳۴
- نمودار شماره ۴-۲۵: دیاگرام شمای کلی ساختار و سازمان فطری و فطریات اساسی، مبتنی بر عشق..... ۲۳۵

فهرست جداول

- جدول شماره ۴-۱: گستره کارکردهای درونی معطوف به شناخت و ادراک های فطری انسان..... ۱۹۲
- جدول شماره ۴-۲: گستره کارکردهای درونی معطوف به احساس، امیال، هیجانات و رفتارهای فطری انسان..... ۱۹۳
- جدول شماره ۵-۱: تفاوت های نظام الگوی مشاوره و روان درمانی فطرت محور، با الگوی طبیعت (غریزه) محور مشاوره و روان درمانگری موجود..... ۲۵۷

فصل اول: کلیات و تعریف مفاهیم

۱-۱ مقدمه

سلامتی انسان همواره به عنوان یکی از مهمترین مسائل و دغدغه های بشر در قرون و ادوار مختلف مطرح بوده و تاریخی به وسعت تاریخ بشر دارد. رفته رفته اما با پیچیدگی های زمان و جامعه، سیر سلامت و بیماری در بشر ظرایف و پیچیدگی هایی پیدا کرد و روح متلاطم انسان را درنوردید. شاید قرون متمادی بود که بشر این خلا را احساس می کرد اما راه آن را نمی یافت؛ تا اینکه ویلهلم وونت آلمانی رسماً به نشر آثار خود در علم روان شناسی پرداخت. در همین زمان مویدان و منتقدان، هر کدام ظهور کردند و آن علم را به قصد تکامل، پی در پی تغییر و تحول بخشیدند و هر کدام تعریف خود را از روان شناسی، سلامت و بیماری ارائه نمودند.

در این میان آنچه قابل تامل و دقت است این امر است که غالب این مکاتب، انسان را حیوان اما حیوانی پیچیده تر تلقی کرده و او را "ماشینی غریزی" فرض نموده و تعاریف و درمان های خود را بر همان فرض بنا نموده اند. بر همین اساس است که تشتت آراء در ارائه تعریف روانشناسی و نیز ارائه شاخص های سلامت و بیماری و محتوا و فرایند تغییر اختلالات، به شدت دیده می شود و هر تعریفی، تعریف ماقبل و هر درمانی، درمان سابق خود را نسخ کرده و منکر می شود.

اینجا است که عنصر مغفول مانده روان شناسی مدرن، یعنی "فطرت" نه تنها شاخص تشخیص و درمان اختلالات، بلکه شاخصی مطمئن در "تایید" یا "رد" نظریات مطروحه خواهد بود؛ بدین نحو که چنانچه نظریه ای با فطرت و فطریات بشر هم آهنگ بوده و کمال وجودی او را تامین می نمود، تایید و در غیر این صورت رد خواهد شد. با شاخص فطرت، "سلامت"، "بیماری" و "درمان" مفهومی دیگر و "ثابت" می یابند.

بر این اساس به نظر می‌رسد راه حل این بحران هویتی روان‌شناسی مدرن در کم و زیاد کردن اصطلاحات و دور زدن مسئله نیست، بلکه در عبور از قلمرو این علم و طراحی نحوی "روان‌شناسی فطری" بر پایه آموزه‌های اسلامی و ملهم از کتاب و عترت است. روان‌شناسی‌ای که فرافرهنگی، فرازمانی، فرامکانی و فراموقعیتی بوده و پاسخگوی مشکلات و مسائل روانشناختی عموم انسان‌ها و در همه ادوار باشد.

پژوهش حاضر در پی آن است که کاربرد و کارکرد شاخص فطرت - به عنوان عنصر ذاتی و تغییرناپذیر انسان - را در محتوا و فرایند تغییر درمان بخش، بررسی نموده و آن را به عنوان بهترین و دائمی‌ترین الگوی حل مسائل روان‌شناختی معرفی نماید.

۲-۱ بیان مسئله

مشاوره روانشناختی در عصر مدرن از مهم‌ترین دانش‌های حوزه علوم انسانی به شمار می‌آید. مشاوره در واقع رابطه‌ای است تخصصی بین دو فرد که یکی مشاور تحصیلکرده و ذیصلاح و دیگری مراجع است. هدف مشاوره، کمک به مراجع است که غرض و مقصود خود را از زندگی دریابد، آن را تصریح کند تا به انتخاب‌های آگاهانه و عاقلانه‌ای که متناسب با "طبیعت" و "توانایی‌ها"ی او هستند، بپردازد؛ سپس در زمینه‌هایی که در حد امکان و استطاعت او است به کار و عمل مبادرت ورزد (استفقر، به نقل از اردبیلی، ۱۳۵۳، ص ۱۰۷).

در طی سالیان گذشته نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی متعددی ظهور کردند. این نظریه‌ها هر کدام به قصد تکامل، همواره به تغییر و تحول این علم (مشاوره و روان‌درمانی) اندیشیده و هر یک، تعریف خود را از "تغییر درمان بخش" ارائه داده، "روش‌های درمانی" مختص به خود بنا نهادند. برخی از آمارها نشان دهنده وجود بیش از ۴۰۰ نظریه روان‌درمانی در روانشناسی است (پروچسکا، ۲۰۰۷م، ترجمه: سیدمحمدی، ۱۳۹۲، ص ۱). نظریه‌های مهم در این زمینه عبارتند از: روان‌تحلیل‌گری، رفتار درمانی و درمان فردمدار (انسان‌گرا).

در این میان زیگموند فروید، رویکرد درمانی روان تحلیل گری را که مبتنی بر "بیش افزایی"^۱ بود، بنا نمود. او ارگانیزم را مجبور به جبر غریزی می دانست. پس از شکست های متوالی در تشخیص و درمان به سبک روان تحلیل گری فرویدی (زرشناس، ۱۳۸۷، صص ۸۱ و ۸۲)، واتسون، روان شناسی رفتارگرایی را تاسیس و رویکرد درمانی خود را مبتنی بر "شرطی سازی" و "تقویت اجتماعی" بنا نهاد. وی با مطرح کردن تغییرات رفتاری بر اساس دیدگاه "محرک - پاسخ" انسان را به عنوان ماشینی زیستی مطرح کرد. این مکتب نیز به دلیل محدودیت های فراوان خود در تشخیص و درمان و نفی اراده و اختیار برای انسان، علی رغم موافقان بسیار، مخالفان و منتقدان بسیاری پیدا کرد؛ تا اینکه کارل راجرز، موج سوم روان شناسی را با عنوان روان شناسی انسان گرا مطرح نموده و رویکرد درمانی خود را بر اساس "اراده آزاد" انسان به جای تقویت اجتماعی پیشنهاد کرد. این مکتب تامین نیازهای زیستی، نیازهای روانی و "خودشکوفایی"^۲ را اساس سلامت روان معرفی کرد (پیشین، صص ۹۲-۹۹).

روان شناسان وقتی می خواهند قواعد حاکم بر سازمان روانی انسان را به دست آورند، در پیش فرض ها، روش ها و ساختارهای نظری با هم تفاوت اساسی دارند (احمدی، ۱۳۹۶، ص ۲). در این میان یکی از تفاوت های مهم در تشکیل و توسعه نظریه های مشاوره و روان درمانی، نوع نگاه نظریه پردازان، به انسان است (فقیهی و رفیعی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۳)؛ چه اینکه نگاه نظریه پرداز درباره ماهیت و هویت انسان، می تواند بر چگونگی یافته های علمی وی تاثیر گذارد، حتی می تواند به گزاره ای نادرست منجر شود (احمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۰). بر این باور، تجربه گرایان^۳ و عقل گرایان^۴، دو رویکرد متفاوت هستند که هر یک بر اساس مبانی انسان شناسی و شناخت شناسی خود، سازمان روانی انسان و عملکرد آن را مورد بررسی قرار داده اند (پیشین، ص ۳). بر این اساس، برخی از نظریه پردازان و مکاتب روان درمانی موجود، انسان را صرفاً "ماشینی بیولوژیک - غریزی" (زرشناس، ۱۳۸۷، صص ۸۶ و ۹۲) و برخی دیگر او را "ماشینی مکانیکی - غریزی" (پیشین، ص ۲۱) فرض نموده، از این رو "تعاریف" و "روش های درمانی" خود را بر آن فرض، بنا نموده اند.

۱. Insight

۲. self actualization

۳. empiricism

۴. rationalism

این در حالی است که به نظر می رسد ابعاد وجودی انسان - آن گونه که برخی از نظریه پردازان فرض کرده اند - فقط منحصر در بعد غریزی یا زیستی نیست، بلکه دارای ابعاد وجودی مختلفی است. "طبع"، "غریزه" و "فطرت"، سه عنصر وجودی انسان است (مطهری، ۱۳۸۲، صص ۲۰ - ۳۳) که در نگاه به انسان به آن ها نیازمندیم.

طبع (طبیعت)، حالت و صفت ذاتی و ناآگاهانه سرشت انسان است که ناظر به ویژگی های مادی و فیزیکی او است و ویژگی مشترک انسان، حیوان و جمادات محسوب می شود. غریزه، حالت و صفت ذاتی غیر اکتسابی و بعد نیمه آگاهانه انسان است که از مختصات حیات حیوانی او بوده و انسان و حیوان در آن مشترک اند. فطرت، بعد آگاهانه انسان است که از مختصات حیات انسانی او بوده و در مقایسه با غریزه و طبع، بعد اصیل انسانی محسوب شده و با وجود آن انسان، انسان می گردد (هاشمی، ۱۳۷۸، صص ۶ و ۷). فطرت همان آفرینش خاص الهی است که به انسان داده شده است. به طور مشخص به مجموعه صفات، استعداد ها و ویژگی های مشترکی که به صورت غیر اکتسابی و بدون دخالت اراده و خواست آدمی در ذات انسان موجود باشد، فطرت گفته می شود؛ صفات و خصوصیات مقدس (شریعت باقری، ۱۳۹۳، ص ۵ و مطهری، ۱۳۸۲، ص ۳۷) که لازمه ی خلقت انسان بوده و از آغاز خلقت در ذات او نهاده شده اند و انسان قبل از تاثیر پذیری از عوامل بیرونی و محیط اجتماعی، این قبیل "ادراکات" و "گرایش ها" را در خود دارد (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۳۵). همه ی انسان ها در این سلسله صفات و ویژگی ها "یکسان" می باشند و در گذر زمان تغییری در آنها صورت نمی پذیرد. صفاتی که از ثبات و پایداری برخوردار بوده و در برابر تاثیر محیط خارجی مقاوم اند (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۳۵)؛ خصوصیات که بشر با آشکارگی آنها "انسان" می گردد و این ویژگی ها مقوم انسانیت آدمی هستند (زرشناس، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷).

"ادراکات و شناخت ها" و "گرایش ها و احساسات" دو بعدی است که در موضوع فطرت بیش از همه مورد توجه قرار می گیرد. «منظور از شناخت های فطری، آن دسته از آگاهی هایی است که در اصول تفکر مشترک همه انسان ها یافت می شود» (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۷۶). درک محال بودن اجتماع نقیضین، درک بزرگ تر بودن کل از جز، حکم به حسن بودن عدل و ... از نمونه های این نوع شناخت ها محسوب می شوند، و «منظور از احساسات فطری، آن سلسله از امیال و گرایش های انسانی

- و نه حیوانی - است که بر اساس خود محوری و انتخاب و اکتساب نبوده و آدمی برای آنها نوعی قداست قائل است» (پیشین، ص ۴۹۰). میل به کمال و تنفر از نقص، زیبایی پسندی و تنفر از زشتی، میل علم جویی و کسب حقیقت، گرایش به پرستش و ... از مصادیق این نوع گرایش ها هستند.

موضوع فطرت اگرچه بیش از همه در مباحث فلسفی - کلامی به کار رفته است، اما گستره این موضوع به حدی است که در بسیاری از علوم می تواند تاثیرگذار باشد. از جمله، علم مشاوره و روان درمانی نیز با "پذیرش" یا "رد" نظریه فطرت به عنوان مبنای انسان شناختی می تواند شکل دیگری به خود گیرد.

به نظر می رسد بسیاری از مکاتب و رویکردهای روان شناسی - جهت دستیابی به سلامت روان و روان درمانی - به دنبال راه حلی بر اساس شاخص های تشخیص و درمان "واحد" و "ثابت" اند. این در حالی است که از آنجا که «روان شناسی موجود، غالباً انسان را موجودی صرفاً زیستی - غریزی و متأثر از محیط فرض کرده» (شریعت باقری، ۱۳۹۳، ص ۲۳ و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۱ و زرشناس، ۱۳۸۷، صص ۸۶ و ۹۲)، به لحاظ رویکرد درمانی گرفتار سردرگمی و حیرت گردیده است. گواه این مطلب وجود بیش از ۴۰۰ مدل روان درمانگری در عصر حاضر است که از آن به عنوان "جنگل روان درمانی" و "آشوب بیمارگون" نام برده می شود (پروچسکا، ۲۰۰۷م، ترجمه: سیدمحمدی، ۱۳۹۲، ص ۱).

به طور کلی می توان گفت در تحلیل گرایش ها و رفتارهای انسان انحصاراً سه نظریه قابل طرح است: گرایش ها و رفتارها یا ریشه در خود انسانی انسان دارد که همان نظریه فطرت است، یا ریشه در خود حیوانی انسان دارد و یا امری برخاسته از ضرورت های اجتماعی و امثال آن است که نظریه رقیب است. در این تحلیل، نظریه های رقیب به نسبیّت منتهی می شوند؛ زیرا با تغییر شرایط و عوامل اجتماعی و روان شناختی، حکم "سلامت" و "بیماری" نیز تغییر می یابد^۵ (اقتباس از مطهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۶۷).

۵. ر. ک فصل چهارم: "مفهوم و شاخصه های سلامت روان در نظام مشاوره و روان درمانی فطرت محور"

به نظر می‌رسد با شاخص فطرت - به عنوان یکی از مبانی انسان‌شناختی - دیگر این نسبیت هنجاری، معنایی نخواهد داشت^۶ و واژه‌های "سلامت" و "بیماری"، مفهومی "واحد" و "ثابت" می‌یابند؛ نه اینکه به عنوان مثال یک روز عمل استمناء و همجنس‌بازی اختلال باشد و چند صباح بعد به بهانه "سازگاری"^۷ از ذیل اختلالات برداشته شده و عملی بهنجار تلقی شود. چنین خبط و خطاهایی دلیلی جز صرفاً غریزی فرض کردن انسان و عدم توجه به ویژگی‌های مشترک انسان و انسانیت که همان فطرت و فطریات است ندارد. "مشاوره و روان‌درمانگری فطری" صبغه و رنگ و بوی غریزی- حیوانی ندارد و هدف از درمان را صرفاً "سازگاری" نمی‌داند.

علاوه بر اشکال نسبیت‌گرایی، همچنین به نظر می‌رسد از دیگر عوارض ناشی از بی‌توجهی به عنصر فطرت و صرفاً غریزی فرض کردن انسان، "از خود بیگانگی"، "خودفراموشی" و "آشفته‌گی سازمان روانی" انسان خواهد بود (رنجبر حقیقی، بی‌تا، ص ۳)؛ به گونه‌ای که فرد در رفاه نسبی به سر برده اما همچنان روح متلاطم و ناآرامی خواهد داشت؛ زیرا از آنجا که هر عمل یا کنش انسان، در جهت ارضای نیازهای متعدد او است، هر شخصی تحت تأثیر خواسته‌ها و نیازهای فطری خویش قرار گرفته و ناکامی در نیازهای فطری، مشکلات روانی و عوارض جسمانی زیادی را به بار می‌آورد (فقیهی، ۱۳۸۶، ص ۷).

^۶. تفاوت‌های فردی در زمینه طبع و غریزه مطرح است همچنان‌اما تفاوت فردی در ویژگی‌های فطری منتفی است که در فصول بعد به آن اشاره خواهد شد.

^۷. coming to term with environment

بنابراین به نظر می رسد شناخت فطرت و فطریات به عنوان یکی از مبانی انسان‌شناختی در مشاوره، در "ادراک مسائل و مشکلات مراجع"^۸، "کیفیت تعامل با وی"^۹ و "نوع خدمات مشاوره ای"^{۱۰} و فرایند تشخیص و درمان مراجع، نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

همچنین به نظر می آید، فطرت، هم زمینه‌ی مشاوره و روان‌درمانگری است که مشاوره و روان‌درمانی بر مبنای آن آغاز می‌گردد و هم هدف مشاوره و روان‌درمانی است. بر این اساس از یک سو نظام مشاوره و روان‌درمانی در جهت‌گیری خود، محتاج شناسایی فطرت و عمل به مقتضیات آن است و از سوی دیگر، صفات و ویژگی‌های فطری نیز در آشکارگی خود، برای نمود رفتاری، نیازمند مشاوره و درمانگری و آموزش هستند و بدین ترتیب دو مفهوم "فطرت" و "مشاوره و روان‌درمانی"، با هم پیوند و تعاملی دوسویه خواهند داشت.

به همین منظور اگرچه فطرت را می‌توان از زوایا و مناظر مختلفی نگریست ولی برای اینکه فطرت بتواند به عنوان مبنای انسان‌شناختی مشاوره و روان‌درمانی قلمداد شود، لازم است تا به فطرت از زاویه روان‌شناختی نگریسته شود. بر این اساس، این پژوهش به دنبال آن است که اولاً آیا فطرت می‌تواند به عنوان مبنای انسان‌شناختی نظام مشاوره‌ای قرار گیرد؟ و ثانیاً در این صورت، آیا میان فطرت، که امری درونی است و مشاوره و روان‌درمانی که امری بیرونی است، ارتباطی وجود دارد یا خیر؟ و در این صورت این مبنای انسان‌شناختی چه کاربردی در مشاوره و روان‌درمانی خواهد داشت؟ و با پذیرش آن، محتوای درمانی و فرایندهای تغییر، چه تفاوت‌هایی خواهند کرد؟

^۸. مشاوره‌ای که بر اساس شناخت و باور به فطرت و فطریات مشاوره می‌دهد باید مشکل (CC) مراجع را بر اساس جدول فطریات بسنجد و میزان و "عمق" مشکل و نیز "نوع" مشکل را با آن تشخیص دهد.

^۹. تعامل مشاوره‌ای که بر اساس شناخت و باور به فطرت و فطریات مشاوره می‌دهد با مراجع خود باید به گونه‌ای باشد که مراجع را مثلاً در گرایش فطری کمال خواهی، به سمت کمال "واقعی" و بر اساس تقاضای واقعی فطرت، نه کمال کاذب و ساختگی رهنمون سازد.

^{۱۰}. هدف درمانی برای مشاوره‌ای که بر اساس شناخت و باور به فطرت و فطریات مشاوره می‌دهد باید بر اساس فطرت باشد) برنامه درمانی مطابق با فطرت مراجع باشد) فلذا باید از خدمات پرورش دهنده و ترقی دهنده‌ی متناسب با گرایش فطری مراجع استفاده کند وگرنه مثلاً در همان گرایش به کمال خواهی اگر از روشی استفاده کند که مضر به کمال مراجع باشد یا این گرایش را در او تنزل دهد، خلاف هدف درمانی بر اساس فطرت انسانی پیش رفته است.

۳-۱ ضرورت انجام پژوهش

پذیرش نظریه فطرت بر اساس دیدگاه اسلامی، می تواند زمینه تغییر در بنیاد، عناصر و مولفه های نظام مشاوره و روان درمانی را فراهم نماید. بنا بر آنچه گفته شد، اهمیت ویژه این پژوهش مشخص می شود؛ بدین معنا که "جهت گیری صحیح" نسبت به انسان و "ارائه ی برنامه" برای او بر اساس همان جهت گیری، بستگی به شناخت "صحیح" و "همه جانبه ی" انسان دارد که بخش مهمی از این شناخت در پرتو بررسی بعد فطری انسان به عنوان اصلی ترین و بنیادی ترین راه شناخت انسان به دست می آید. فطرت به عنوان فصل ممیز انسان از حیوان، یک سرشت مشترک و عام در وجود تمام انسان ها است که آگاهی از آن، فلسفه ی بسیاری از "تمایلات"، "اهداف" و "رفتارها" را در مراجعین آشکار می سازد. این موضوع، به ویژه در نظام مشاوره و روان درمانگری اهمیتی مضاعف پیدا می کند. چرا که انسان "موضوع" مشاوره بوده و بی تردید مشاوره و روان درمانگری بدون داشتن تصویری صحیح از انسان، که فطرت، اصل و اساس آن است، امکان پذیر نخواهد بود.

همانگونه که مشاهده می شود با وجود اهمیت و ضرورت پژوهش در موضوع "کاربرد فطرت در مشاوره و روان درمانی اسلامی"، هیچ پژوهشی در این زمینه صورت نپذیرفته است و در پژوهش های صورت گرفته صرفاً به بیان نکاتی در اهمیت موضوع فطرت در تربیت و روان شناسی بسنده شده است و مطالعه ای در مورد کاربرد تشخیصی و درمانی آن نشده است؛ مگر پژوهش عابدینی، فتحی آشتیانی، جان بزرگی و سالاری فر (۱۳۹۶) درباره "اثر فرا شناخت درمانگری با رویکرد اسلامی در درمان افراد مبتلا به اختلال تنیدگی پس از ضربه". در این پژوهش نیز کاربرد فطرت تنها به عنوان یکی از متغیرها و نه به طور مستقل و در بخشی از نتایج درمانی مورد نظر قرار گرفته است. از این رو آنچه جای خالی آن بیشتر احساس می شود کاربرد استقلالی فطرت در مشاوره و روان درمانی است که پژوهش حاضر به دنبال آن است.

۴-۱ اهداف پژوهش

هدف این پژوهش، ابتدا ارائه ی تصویر روشنی از فطرت از نگاه اسلام و سپس بیان چگونگی ارتباط و کاربرد آن در علم مشاوره و روان درمانی به عنوان یکی از عوامل اصلی در بازگرداندن مراجع به

فطرت خویش می‌باشد و در نهایت، چارچوب «نظام مشاوره و روان درمانی فطرت محور» ارائه می‌گردد.

۵-۱ سوالات پژوهش

۱-۵-۱ پرسش اصلی

شناخت و باور به فطرت چه کاربردهایی بر رویکرد مشاوره و روان درمانی دارد؟

۱-۵-۲ پرسشهای فرعی

۱. فطرت در منابع اسلامی چیست؟ ابعاد و مولفه های آن کدامند؟
۲. رابطه فطرت با سازمان شناختی انسان، در نگاه اسلامی چگونه است؟
۳. شناخت و باور به فطرت از حیث کاربردی چه تاثیری بر محتوای تغییر در مشاوره اسلامی می گذارد؟
۴. شناخت و باور به فطرت از حیث کاربردی چه تاثیری بر فرایندهای تغییر در مشاوره اسلامی می گذارد؟

۶-۱ پیشینه نظری پژوهش

شناخت انسان یکی از محورهای اساسی معارف بشری است. اندیشمندان بسیاری از روزگاران کهن در خصوص ماهیت و ساختار وجودی انسان به بحث و کاوش پرداخته و هر یک کوشیده اند تا با پاسخ به پرسش های اساسی در این عرصه، مسیر کمال او را تشخیص داده و از اضطراب ها و احساس رنج درونی بشر بکاهند. پرسش هایی مانند اینکه آیا آدمی ساختاری صرفاً مادی دارد؟ آیا موجودی دو سرشتی است که علاوه بر بعد جسمانی دارای بعد روانی و روحانی نیز می باشد که از آن رهگذر، از موجودات دیگر متمایز شود یا خیر؟

سیر تطور تاریخی بحث فطرت

نظریه فطرت به عنوان نظریه ای فلسفی و به منزله نظریه ای روان شناختی - معرفت شناختی که مشتمل بر عناصر و ایده های متعدد و متنوعی است، محور تحقیقات بسیاری از فلاسفه در قرن هفدهم بود (امید، ۱۳۸۷، ص ۱). با ملاحظه تاریخ اندیشه فلسفی، این نکته آشکار می شود که طرح واژه ها و اصطلاحات "فطری"، "فطرت" یا امور و حقایق فطری به عنوان محوری برای تاملات فلسفی و نقطه

تمرکز مباحث و مناقشات فلسفی مربوط به عصر نوزایی (رنسانس) و به طور مشخص، قرن هفدهم هستند. نظریه "فطرت" قرن هفدهمی متضمن یا مستلزم مفاهیم روان شناختی و معرفت شناختی است. از این رو باید آن را نظریه ای روانشناختی - معرفت شناختی تلقی کرد (امید، ۱۳۸۷، ص ۲).

فطری گرایانی همچون دکارت معتقد بودند: انسان از برخی علوم فطری و ذاتی برخوردار است. آنها بر این باور بودند که اندیشه های زیادی جزء ماهیت ذهن هستند و دست کم بخشی از دانش انسان به عنوان مولفه طبیعی ذهن با وراثت به نسل بعدی منتقل می شود. به نظر این افراد، عقل ادراکات مستقلی دارد که لازمه وجود آن است. این مفاهیم، فطری عقل بوده و برای درک آنها هیچ نیازی به ادراک قبلی حسی نیست، بلکه عقل خود به خود یک سلسله از مفاهیم را درک می کند. دکارت معتقد بود عقل، مفاهیم "خدا"، "نفس"، "امتداد" و "شکل" را بدون نیاز به حس درک می کند. همچنین کانت از جمله، مفهوم "زمان" و "مکان" را خاصیت ذاتی و فطری ذهن به حساب می آورد (احمدی، زیر چاپ، صص ۴ و ۵).

در چند قرن اخیر به دلیل پیدایش مکتب های ضد مذهبی چون مارکسیسم و اگزیستانسیالیسم در غرب و راه یابی این اندیشه ها به کشورها و جامعه های اسلامی که هریک به گونه ای مبانی نظری دین و نیز سرشت آغازین انسان و به طور مشخص گرایش های مذهبی انسان را نفی می کردند، از سویی، و پیشرفت دانش روان شناسی و دست یابی روان شناسان به بسیاری از امور ناشناخته روان آدمی و گرایش های روانی انسان از دیگر سو، بحث از فطرت و سرشت نخستین انسان ها در نظرگاه مصلحان و اندیشه وران اسلامی جایگاهی فرازمندتر از گذشته یافته است (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۴).

این در حالی است که در میان اندیشمندان اسلامی مبحث فطرت به عنوان یک مسئله مستقل فلسفی و کلامی در آثار کندی، فارابی، ابن سینا و شیخ اشراق مطرح نبوده است. در "اخوان الصفا" برای نخستین بار در تاریخ فلسفه اسلامی مسئله فطری بودن شناخت خداوند در یک منبع فلسفی مطرح می شود. این پدیده در پناه رویکرد کثرت گرایانه آنان در انتخاب منابع شان قابل تبیین است. ابن عربی چون برای نخستین بار چپستی فطرت را موضوع مطالعه مستقل قرار داده است، نقطه عطفی در سیر تطورات این نظریه به شمار می آید. این نظریه به وسیله ملاصدرا و پس از آن، حکیم شاه آبادی گامی بلند به پیش برمی دارد. اثبات واجب، نبوت و امامت عامه، معاد و برخی مسائل فلسفی و معرفتی دیگر با تمسک

به مقتضیات فطرت، از نوآوری های وی محسوب می شود. در آثار علامه طباطبایی کارکردهای معرفتی این نظریه به نحو چشمگیری افزایش یافته و با شهید مطهری به اوج می رسد. نظریه پردازی های شهید مطهری را باید جهشی در سیر تطورات نظریه فطرت به شمار آورد. نوآوری های وی شامل عمده مباحث اساسی فطرت می شود. ظهور نظریات رقیب، سوابق آموزشی و کثرت و تنوع حوزه مطالعاتی شهید مطهری در زمره عوامل ظهور این نوآوری ها قرار دارد (غفوری نژاد، ۱۳۸۹، ص ۲).

پیشینه روانشناسی بحث فطرت

برخی مکاتب و نظریه های روان شناسی، به وجود فطرت انسانی اعتقاد داشته و برخی از دیدگاه های خود را بر آن اساس بنا نموده اند. ویلیام جیمز^{۱۱}، از جمله معتقدین به ساختار فطری انسان است. او معتقد است: در عالم مذهب، ما با یک قسمت از فطرت و ساختمان بشری سر و کار داریم که ارتباط نزدیکی به ماوراء وجدان و حس دارد. همه الهامات و وحی ها - حسی و یا تحریکات درونی - از آنجا سرچشمه می گیرد (نارویی نصرتی، بی تا، ص ۹). او همچنین می گوید: هر قدر انگیزه و محرک میل های ما از این عالم طبیعت سرچشمه گرفته باشد، غالب میل ها و آرزوهای ما از عالم ماورا الطبیعه سرچشمه می گیرد؛ زیرا غالب آنها با حساب های مادی و عقلانی جور در نمی آیند. ما بیشتر به آن عالم بستگی داریم تا به این عالم محسوس و معقول (بهشتی، ۱۳۹۵، ص ۳).

به نظر می رسد "ناهشیار جمعی"^{۱۲} را که یونگ^{۱۳} (۱۹۱۹) مطرح می کند کم و بیش با امور فطری انسانی که در منابع اسلامی ذکر شده، قابل انطباق باشد. به اعتقاد یونگ در ناهشیار جمعی، نوع انسان به عنوان یک کل، تجربه های انواع انسانی و ماقبل انسان را نگهداری می کند و این تجربه های تراکمی را به نسل های بعدی انتقال می دهد. بنابراین ناهشیار جمعی مخزن تمام تجربه های نوع انسان است که به هر کدام از ما منتقل شده است. این مخزن شامل فهرست کاملی از تجاربی است که تکامل انسان را مشخص می کند و در مغز هر انسان و در هر نسل دوباره تکرار می شود (شولتز، ۱۹۹۰، ترجمه: کریمی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳). به نظر یونگ مضامینی در ناخودآگاه یا ناهشیار انسان وجود دارند که ناشی

^{۱۱} . james-w

^{۱۲} . transpersonal unconscious

^{۱۳} . yang

از استعدادهای روح بشرند. وی این صورت ها و مضامین را "نمونه های دیرینه یا مثالی" می نامد. این صور خاصیت یا شرط اساسی ساختمان روح انسان هستند و به نحوی با مغز مربوطند و از خودمختاری موثر و فعالی برخوردارند. این صورت ها کلی ترین و کهن ترین اشکال تجسم و نمودهای بشرند. آنها هم از سنخ اندیشه اند و هم از سنخ عاطفه و احساس و نوعی حیات و موجودیت خاص متکی به خود را دارند (امید، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

در واقع، ناهشیار جمعی که یونگ آن را مطرح نموده است، گنجینه ای است از خاطره آثاری که آدمی از نیاکان بسیار دوردست و حتی غیر انسانی (حیوانی) خود به ارث برده است. یونگ (۱۹۴۷) این تجارب و معلوماتی را که از نیاکان به ارث رسیده و ناخودآگاه همگانی ما از آنها تشکیل یافته است، "آرکه تایپ"^{۱۴} که می توان به فارسی از آن به لفظ "مفاهیم کهن" یا "کهن الگو" تعبیر نمود می خواند. احساس و ادراک کردن و اندیشیدن آدمی تاحدی مطابق این مفاهیم است و این مفاهیم در مواجهه با امور واقعی این جهان، برون افکنده می شوند (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵). تعداد مفاهیم کهن بسیار زیاد است از آن جمله مفاهیم وحدت، قهرمان قدرت، خدا، شیطان، مرگ، زندگی پس از مرگ و غیره است (شولتز، ۱۹۹۰، ترجمه: کریمی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴).

با وجود همه دلایلی که یونگ آورده است انتقال ارثی صفات و تجارب نیاکان به صورت مفاهیم کهن مورد تردید بسیاری از تکوین شناسان است (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۸).

ژان پیاژه^{۱۵} (۱۹۸۰) در عین حال که مخالف وجود ساختارهای ادراکی فطری در سطح روان است و معتقد است که ساختارهای منطقی و ریاضی حاصل فعالیت روان هستند، اما در سطح لایه های بنیادی تر، به وجود فرایندهای تکاملی (تحولی) زیست شناختی در انسان از قبیل "ترتیب"^{۱۶} و "انطباق"^{۱۷} که

14 . archetype

15 . jean piaget

۱۶. مفهوم توالی یا نظم ثابت مراحل، "ترتیب" نامیده می شود.

17 .adaptation

از نظر پیاژه تحول شناختی و عاطفی، ترجمان هوشی انطباق زیستی با محیط محسوب می شود. به کمک درون سازی و برون سازی است که به دنیای بیرون نظم و حتی ساخت داده می شود. تلاش برای انطباق زمانی برای فرد معنی پیدا می کند که در برابر خود، نوعی "نیاز" یا ارزش را حس کند (وادزورث، ترجمه: صالحی فدردی و امین یزدی، ۱۳۷۸، صص ۲۲۱ و ۲۲۲).

کارکرد و نقشی شبیه زمینه های فطری ایفا می کنند، اذعان می کند و معتقد است که: این زمینه های زیست‌شناختی اند که پایه شکل‌گیری ساختارهای عالی تر را فراهم می کنند (امید، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

مزلو^{۱۸} پدر روان‌شناسی انسان‌گرایی قرن بیستم، امیدوار بود که نوعی روان‌شناسی نسبت به فطرت انسان تدوین شود و خود نیز به دنبال روان‌شناسی ای بود که اعماق و منتهای درجات فطرت آدمی را در بر گیرد. مزلو در مورد فطرت انسانی بر این باور بود که همه ما فطرتی درونی و اساساً زیست‌شناختی داریم که تغییر ناپذیر یا دست کم با تغییرپذیری محدود است (شریعت باقری، ۱۳۹۳، ص ۹). وی با تاکید بر مساله فطرت و نقش آن در تعلیم و تربیت و روان‌شناسی نوشت: ظن قوی من این است که این راهی است که بخش عمده ای از دنیای تعلیم و تربیت می تواند بدان طریق عمل کند. اگر بخواهیم مساعدت گر، مشاور، معلم و راهنما یا روان درمان گر باشیم کاری که باید بکنیم این است که فرد را بپذیریم و به او کمک کنیم دریابد که او به طور بالقوه چه نوع فردی است؟ سبک و سیاق او چیست؟ استعدادهای او کدامند؟ برای چه کاری مناسب است یا مناسب نیست؟ چه می توانیم به او بیفزاییم؟ مواد خام مطلوبی که دارد چیست و توانایی های بالقوه او کدامند؟ باید تهدید آمیز نباشیم و فضایی از پذیرش فطرت کودک فراهم آوریم که ترس، اضطراب و دفاع را به حداقل ممکن برسانیم (مزلو، ۱۹۷۱، به نقل از شریعت باقری، ۱۳۹۳، ص ۱۴).

چامسکی^{۱۹} اگرچه به عنوان یک روان‌شناس شناخته نمی شود اما نظریه ی وی در باب زبان، ماهیتی روان‌شناختی دارد. از نظر چامسکی (۱۹۲۸) انسان ها به طور ذاتی از استعداد زبانی برخوردارند و این استعداد به نوبه خود یکی از بخش های ذهن یا مغز است. چامسکی را جزو خردگرایان می دانند. در این مکتب فکری، درک و برداشت انسان از جهان، با توجه به ویژگی های ذاتی ذهن او توجیه می شود. رویکرد چامسکی به زبان آموزی را "فرضیه فطریّت" یا گاهی "ذاتی‌گرایی"^{۲۰} می گویند. ذاتی‌گرایی اصطلاحی است عام که به نظریه های مبتنی بر تفکر یا دانش ذاتی و فکری اطلاق می شود. نظریه چامسکی بر این ادعا استوار است که استعداد زبانی، قوه ای مستقل و متمایز از دیگر قوای ذهن است. استعداد زبانی نوعی قوه زبانی مشترک میان همه انسان ها است که صرفاً قدرت فراگیری و به

18 . maslow-A

19 . Chomsky

20 . Essentialism

کارگیری زبان را به آنها می دهد و به هیچ کار دیگر نمی آید. قائل شدن به ماهیت تخصصی استعداد زبانی و اعتقاد به شکل گیری منفعل و طبیعی دانش زبانی از طریق آن، از ویژگی های "فرضیه فطرت" اند (امید، ۱۳۸۷، صص ۳۳ و ۳۴). در میان انبوهی از استدلال های چامسکی بر فطری بودن زبان، به عنوان مهم ترین استدلال ها می توان به دو تقریر از استدلال وی اشاره کرد:

۱. **ضعف محرک ها، تقریر پسینی:** میان مایه غنی از دانش زبان که سخنگویان شایسته در هر زبان حائز آنند و اطلاعات ناچیزی که تجربیات آن ها، در خلال یادگیری زبان در کودکی فراهم می کند، شکافی وجود دارد. این شکاف چنان بزرگ است که هیچ کودکی صرفاً با سازوکار یادگیری عام و با الگویی که تجربه گرایان ارائه می کنند نمی تواند به گذر از آن شکاف امید داشته باشد؛ بنابراین، زبان آموزی نیازمند دستگاہی است با هدف خاص که در آغاز متضمن برخی از اطلاعاتی در باب زبانی است که سرانجام احراز می شود. چامسکی (۱۹۵۹) در مقاله «بازنگری رفتار زبانی اسکینر» با فطری دانستن زبان، این نظر اسکینر ۲۱ و دیگر رفتارگرایان ۲۲ را رد می کند که تسلط بر یک زبان یا «شایستگی زبانی» عبارت از مجموعه هایی از «استعدادهای رفتار زبانی» است که به وسیله «شرطی شدن مؤثر» در طول کودکی در اذهان ما القا شده است (خندان، ۱۳۸۴، ص ۱۴).
۲. **ضعف محرک ها، تقریر پیشینی:** چامسکی می گوید: یگانه فرض معقول دستوری حرف زدن ما این است که استعداد آن را داریم و این استعداد مبتنی بر مجموعه پیچیده ای از دستور و قواعد جهانی است که از طریق آزمون و خطا آموخته نمی شوند بلکه این قواعد در ضمیر ناخودآگاه و فطری انسان هستند (پیشین، ص ۱۵).

در یک نقد اجمالی نظرات قبلی عنوان شده، می توان اظهار داشت که مواضع مذکور حاکی از عجز و ناتوانی آنها در شناخت حقیقت انسان و هویت و شخصیت واقعی او می باشد. اگر بخواهیم با نگرش خوشبینانه و به منظور ارج نهادن به زحمات تحقیقاتی منادیان نظرات ارائه شده سخن برانیم، حداکثر می توان اظهار داشت که در همه نظرات گفته شده به علت پرداختن تنها به گوشه ای از واقعیت

وجودی انسان و بی‌توجهی و احیانا کم توجهی به سایر ابعاد وجودی او، تصویر نادرستی از ساختار وجودی انسان عرضه شده است.

۷-۱ پیشینه پژوهشی تحقیق

در موضوع فطرت مطالعات متفاوتی صورت گرفته است. فطرت به عنوان یکی از مباحث بنیادین، بیشتر از همه در علم فلسفه و کلام توسط اندیشمندان مورد دقت و بررسی واقع شده است. تعلیم و تربیت، دومین علمی است که بیشترین تحقیقات درباره فطرت را به خود اختصاص داده است. علم اخلاق از علوم عالیه بشری است که بعد از تعلیم و تربیت، بیش از همه به موضوع فطرت توجه داشته و به آن پرداخته است. روان شناسی از علوم ضروری بشر امروزی است. در همین راستا، از آنجایی که فطرت، اساساً موضوعی معرفت شناختی - روان شناختی است، در روان شناسی اسلامی - هرچند کم - مورد توجه برخی پژوهشگران در این زمینه قرار گرفته است. در ادامه به برخی از تحقیقات فطرت در حوزه تربیت اسلامی و روانشناسی اسلامی که توسط محققان معاصر صورت گرفته است، اشاره می شود.

قانع و عصاره نژاد دزفولی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "دلالت های نظریه فطرت در نظام تربیتی اسلام" پس از بررسی، تمرکز بر نفوس قریب العهد به فطرت، صیانت از تربیت فطری در برابر آسیب ها و مخاطرات ضد فطری، ارتباطات تربیتی فطرت محور در کنار ارتباطات تربیتی شریعت محور، انتباه فطری در تعاملات تربیتی، باغبانی تربیتی به جای صناعت تربیتی و ... را از جمله دلالت هایی می دانند که در رابطه با تربیت انسان باید رعایت شوند.

احمدی و ناروئی نصرتی (زیر چاپ) در پژوهشی تحت عنوان "نقش فطرت و امور ماورائی در تحول و دگرگونی های روانشناختی انسان از منظر منابع اسلامی" نشان دادند که علاوه بر چهار عامل وراثت، محیط، تعامل وراثت و محیط و اراده که روان شناسان آن را مطرح کرده اند، عامل فطرت به عنوان یکی از اساسی ترین عوامل موثر در رشد انسان به شمار می رود که روان شناسی معاصر هیچ گاه به آن نپرداخته است. آنها در نتیجه گیری خود در اهمیت عامل فطرت نوشتند: فطرت مانند برد اصلی رایانه است که خارج از برنامه برد، چیزی را نمی توان روی رایانه قرار داد.

همچنین احمدی (۱۳۹۶) در مطالعه ای با عنوان "تبیین رفتار انسان در قلمرو پارادایم اسلامی در مقایسه با سایر رویکردهای روان شناختی" با هدف بررسی تفاوتهای شناخت شناسانه سه رویکرد تجربه گرایی، عقل گرایی و فطری گرایی، دریافت که بر خلاف آنچه تجربه گرایان و عقل گرایان معتقدند، مکتب فطری گرایی، انسان را محتاج تعالیم وحی می داند. در همین راستا به دنیال اثبات این امر برآمده است که انسان موجودی دو ساحتی (نفس و بدن) بوده که بعد اصیل او همان ساحت نفسی او است. بر این عقیده رفتارهای اساسی انسان برآمده از این بعد خواهد بود.

عابدینی، فتحی آشتیانی، جان بزرگی و همکاران (۱۳۹۶) طی مطالعه ای درباره "اثر فرا شناخت درمانگری با رویکرد اسلامی در درمان افراد مبتلا به اختلال تنیدگی پس از ضربه" نشان دادند که مراجعین در پایان درمان با این رویکرد، کاهش معناداری در طراز نمرات علائم تنیدگی پس از ضربه نشان دادند. ایشان در قسمت نتیجه پژوهش خود با اشاره به اثرگذاری استفاده از مکانیزم درمانی "فطرت" تاکید داشتند که درمان همواره باید در راستای فطرت انسانی باشد. در این باره آنها دریافتند که انسان ها وقتی در معرض درمان های هم راستا با فطرت خود قرار می گیرند احتمالا بیشتر با تغییرات درمانی همساز و همراه خواهند بود.

پژوهش نوروزی کوهدشت و مهدیان (۱۳۹۵) در "رویکردی در نظریه ساختاری - عملکردی مبتنی بر تعلیم و تربیت فطرت گرا" نیروهای تاثیرگذار بر فطرت را نفس، دل و عقل معرفی می کند و نفس لوامه و مطمئنه را همان فطرت می داند. این پژوهش در ادامه، عقل عملی را جزء فطرت و غیراکتسابی دانسته اما عقل نظری را مستقل از فطرت و اکتسابی دانسته است و نتیجه می گیرد که شکل گیری شخصیت سالم مبتنی بر حاکمیت عقل و ارضای صحیح غرایز است و در این صورت است که کنش وری شناختی، انگیزشی و رفتاری فرد کارآمد خواهد بود.

بهشتی (۱۳۹۵) با هدف بررسی خاستگاه تربیت انسان، در مقاله خود با موضوع "جایگاه فطرت در اندیشه تربیتی امام خمینی(ره)" دریافت که از منظر امام خمینی (ره) مدار و محور تربیت بر فطرت است. او همچنین دریافت تنها وقتی که همه فعالیت ها و رفتارهای انسان در راستای فطرت معادباوری و توحید باشد، از آسیب های تربیتی در امان خواهد بود.

احمدی (۱۳۹۵) در کتاب خود تحت عنوان "روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی" با هدف تبیین ویژگی های شخصیت ساز انسان، غریزه، فطرت و عقل را از مفاهیم اساسی در شناخت و پرورش شخصیت انسان معرفی می کند. ایشان در قسمت پایانی کتاب خود، "سالم سازی" و "درمان" را مبتنی بر فهم و دقت در مفهوم فطرت دانستند.

خیری (۱۳۹۴) در مقاله "فطرت گرایی و اقتضائات آن در نظام هنجاری اسلام" نتیجه گرفت اسلام می تواند در تعارض خودخواهی (نگاه فردگرایانه) و دیگرخواهی (نگاه جامعه گرایانه) انسان، به وسیله جهت دار کردن حب ذات به عنوان یکی از اصلی ترین فطریات انسان، خودخواهی او را کنترل کند به نحوی که صلاح خود را در گذشت و مهربانی بداند و بدین صورت مصالح جامعه را نیز تامین نماید.

شریعت باقری (۱۳۹۴) در مطالعه خود تحت عنوان "پیش درآمدی بر نظریه روان شناسی و تعلیم و تربیت فطرت گرا" با هدف بررسی نظریه مزلو به عنوان سردمدار روانشناسی انسان گرا و مقایسه آن با نظریه فطرت الهی و بازشناسی نیازهای روانشناختی و تربیتی انسان، نتیجه گرفت که روانشناسی انسان گرا نتوانسته است پاسخگوی مسائل و مشکلات روان شناسی و تربیتی انسان امروز باشد زیرا تفکرات این مکتب صرفاً اومانیستی بوده و فاقد هویت پیشین و صرفاً ساخته و پرداخته عوامل خارجی است و از این رو این مکتب، توانایی های بالقوه فطری و آرمانی انسان را نادیده انگاشته است.

ابوترابی (۱۳۹۳) طی پژوهشی تحت عنوان "پیش نیازهای مفهوم شناسانه نظریه فطرت" با هدف بررسی و تحلیل مفاهیم و نظریات رایج در موضوع فطرت، در یک دسته بندی بدیع، فطرت را به سه قسمت فطرت گرایشی، بینشی و ساختاری تقسیم می کند. او دریافت که خلاف آنچه مشهور معتقد شدند، ملازمه ای بین دو ویژگی فطرت یعنی غیراکتسابی بودن و تغییرناپذیری انسان وجود ندارد.

همتی فر و غفاری (۱۳۹۳) در مطالعه ای با هدف تحلیل فطریات و مشخص نمودن فطریات اصلی انسان که در تربیت انسان موثرترین هستند با عنوان "تعلیم و تربیت مبتنی بر فطرت با تاکید بر دیدگاه آیت الله شاه آبادی، مدل سازی فطرت با هرم سه وجهی" دریافتند سه بعد اصلی فطرت عبارتند از فطرت علم، عشق و قدرت که همه فطریات ریشه در فطرت عشق دارند. آنها همچنین نتیجه گرفتند

هر آنچه در تعلیم و تربیت با فطرت انسان مطابقت نداشته باشد نمیتواند امیدی به اثر عمیق و مستمر در او داشته باشد.

هادوی نیا (۱۳۹۳) در "رفتارشناسی انسان فطرت گرا در گستره توزیع از دیدگاه قران کریم" با هدف چگونگی تحلیل نظری رفتار انسان فطرت گرا با تکیه بر فراگرد انگیزشی رفتار اقتصادی انسان، با توجه به تجرد و بقای روح به این نتیجه رسید که انسان دارای سه بعد آخرتی، معنوی و مادی است که همواره به سوی آن ها تمایل دارد. وی با توجه به این ابعاد دریافت که آموزه های قرآنی درباره فراگرد انگیزشی رفتار اقتصادی انسان فطرت گرا به گونه ای است که هیچ اختلالی او را تهدید نمی کند.

زرشناس (۱۳۸۷) با هدف نقد مهم ترین مکاتب و نظریه های درمانی روان شناسی، در کتاب خود با موضوع "روان شناسی مدرن و حقیقت فراموش شده"، بزرگ ترین خطای روان شناسی مدرن را فراموش کردن "فطرت" به عنوان گوهر وجودی انسان دانسته (ص ۱۰۶) و نتیجه می گیرد تنها راه برون رفت از این بی هویتی موجود در روان شناسی، بازگشت به روان شناسی معنوی و روان شناسی فطرت محور است.

فقیهی و رفیعی مقدم (۱۳۸۷) در مطالعه ای تحت عنوان "انسان از دیدگاه راجرز و مقایسه آن با دیدگاه اسلامی" با هدف مقایسه شباهت ها و تفاوت های انسان شناختی این دو دیدگاه، معتقد شدند در جریان نقش پذیری بنا بر فطرت، انسان دارای شرایطی ویژه است که در بدو تولد نه بالفعل محض است و نه بالقوه محض. بدین معنی که اصل درک ارزش ها در وجود فرد به صورت فطری وجود دارد و برآمده از تجربه خود و دیگران نمی تواند باشد. این پژوهش همچنین نشان می دهد که مشکلات روانی انسان، ناشی از تعارض و ناهماهنگی تجارب و رفتار با اصل فطرت است.

احمدی (۱۳۶۲) در اثر پیشگام خود در حوزه روانشناسی اسلامی "فطرت، بنیان روان شناسی اسلامی" با هدف نقد مبانی روان شناسی موجود و دست یابی به یک الگوی اسلامی با توجه به پیروزی نظام انقلاب اسلامی ایران، نشان می دهد که ادعای دست یابی به روان شناسی اسلامی تنها زمانی صحیح خواهد بود که بعد اصیل انسان یعنی بعد فطری او محور نظر و عمل قرار گیرد.

۸-۱ تازگی و نوآوری پژوهش

- کاربرد فطرت در موضوعاتی از قبیل تربیت و اخلاق، مکرراً به طور مستقل مورد بررسی قرار گرفته است اما در این میان، تا آنجا که نگارنده جستجو و مطالعه کرده، هیچ پژوهشی فطرت را در "مشاوره و روان درمانی" مستقلاً مورد بررسی و مطالعه قرار نداده است.
- در روان شناسی، موضوع فطرت گرچه اندک مورد پژوهش قرار گرفته است اما تا آنجا که نگارنده جستجو و مطالعه کرده در هیچ پژوهشی کاربرد آن مستقلاً مطالعه نشده است.

۹-۱ روش انجام پژوهش

این پژوهش با بهره گیری از روش تحلیل محتوا به معرفی و ارائه نظریه ی مشاوره و روان درمانی فطرت محور می پردازد.

۱۰-۱ روش گردآوری اطلاعات

از آن جا که این پژوهش، توصیفی- تحلیلی است، از روش کتابخانه ای و استخراج از اسناد و مدارک علمی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

۱۱-۱ ابزار گردآوری اطلاعات

مهمترین ابزار در گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش استفاده از فیش برداری از منابع و بانک های اطلاعاتی بوده است.

۱۲-۱ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از گردآوری اطلاعات از طریق کاوش در اسناد و مدارک علمی و تلخیص داده ها و فیش برداری، اطلاعات به دست آمده طبق روند داده های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. در این فرایند، پس از طبقه بندی داده ها، با برقراری ارتباط منطقی میان آنها، پاسخ سوالات پژوهش ارائه می گردد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۲، صص ۲۰۷-۲۱۲).

۱۳-۱ مفاهیم اساسی

مشاوره: مشاوره رابطه ای است تخصصی بین دو فرد که یکی مشاور تحصیل کرده و ذیصلاح و دیگری مراجع است. هدف مشاوره، کمک به مراجع است که غرض و مقصود خود را از زندگی

دریابد، آن را تصریح کند تا به انتخاب های آگاهانه و عاقلانه‌ای که متناسب با "طبیعت" و "توانایی" ها "ی او هستند، پردازد؛ سپس در زمینه‌هایی که در حد امکان و استطاعت او است به کار و عمل مبادرت ورزد (استفلی، به نقل از اردبیلی، ۱۳۵۳، ص ۱۰۷).

فطرت: فطرت، سازمان پویای روانی درونی انسان و گونه ای خاص از ساختار خلقی و سرشتی مشترک انسانی است، که منبع صفات و خصوصیات – اعم از بینش ها و گرایش هایی – است که لازمه خلقت انسان بوده و از آغاز خلقت به نحو ثابت و پایدار در ذات او نهاده شده و انسان در آغاز آفرینش خود و پیش از قرار گرفتن در شعاع تأثیر تربیتی، تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی و دیگر عوامل بیرونی، آن (سازمان و ساختار سرشتی مشترک) را دارد و بر اساس آن نسبت به حقایق و واقعیت های جهان هستی بی طرف نیست.

فطریات (امور فطری): مجموعه شناخت ها و گرایشات لایتغیر خاص انسانی که مقدس، مشترک و ذاتی نوع انسان و لازمه حیات انسانی او بوده و از متن و منبع فطرت آدمی برآمده اند، فطریات نامیده می شوند.

طبع یا طبیعت: لغت طبیعت یا طبع در مورد بی جان ها به کار برده می شود. «طبیعت» یعنی سرشتی که اشیای مادی بر آن آفریده شده‌اند. این واژه اگر در مورد جانداران به کار رود، به جنبه‌هایی از جانداران که با بی جان‌ها مشترک است، اطلاق می‌شود.

غریزه: غریزه، وجه مشترک انسان و حیوان است که بیشتر درباره حیوانات به کار می‌رود و اگر در مورد انسان به کار رود، به جنبه‌های حیوانی موجود در او اطلاق می‌شود و عبارت از حالت تسخیری و غیرآگاهانه از ناحیه خلقت است که بر خودمحوری یا بقای نوع استوار، و به عضوی مادی از بدن انسان مربوط می‌شود.

سازمان شناختی: سازمانی است روانی که از قوه ی تحلیل بر خوردار بوده، قابلیت آموزش، پرورش، تقویت، یا تضعیف و انحراف از فطرت را داشته، به کمک تعالیم وحی و به هدف رساندن مراجع به سلامت روان، خودشکوفایی و کمال نهایی، موظف به آشکارگی فطریات، انتخاب صحیح آن ها، تحدید

و جهت دهی گرایش های فطری و غریزی و تبدیل فطریات به رفتار آدمی بوده و نقش رهبری ادراک انسان را بر اساس نقشه ی راه فطرت بر عهده دارد.

ادراکات و شناخت های فطری: منظور از شناخت های فطری، آن دسته از آگاهی هایی است که در اصول تفکر مشترک همه انسان ها یافت می شود.

گرایش ها و احساسات فطری: منظور از احساسات فطری آن سلسله از امیال و گرایش های انسانی - و نه حیوانی - است که بر اساس خودمحوری و انتخاب و اکتساب نبوده و آدمی برای آنها نوعی قداست قائل است

فصل دوم: چیستی و مبانی نظری فطرت